|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[روایات قرآنی 1](#_Toc428701418)

[رد شبهه فوق 2](#_Toc428701419)

[تشریح مکتب علامه 2](#_Toc428701420)

[مراد علامه از قطع 3](#_Toc428701421)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc428701422)

[نظریات در خبر واحد 4](#_Toc428701423)

[اتخاذ مبنا 4](#_Toc428701424)

[سایر مبانی علامه 4](#_Toc428701425)

[اتخاذ مبنا 5](#_Toc428701426)

[نقش فقهی قیام عاشورا 5](#_Toc428701427)

[آیات فقهی 5](#_Toc428701428)

[اتخاذ مبنا 5](#_Toc428701429)

# روایات قرآنی

بحث امروز در قبال روایات مربوط به آیات قرآنی است. این محوری است که علامه طباطبایی به آن توجه دارند و چنین عقیده‌ای دارند که ما نیازی به اخبار و روایات مبینه و مفصله آیات نداریم. و روشن است که به‌هیچ‌وجه مشرب ایشان حسبنا کتاب الله نیست. منتها ایشان در حجیت خبر واحد دایره را ضیق می‌گیرند، چراکه قائل‌اند خبر واحد تنها در روایت‌های فقهی حجیت دارد.

# رد شبهه فوق

روشن است مشی و مشرب و مسلک ایشان این نیست، حاشا و کلاً که ایشان بخواهند آن مسیر را طی کنند. لذا این امر وضوح دارد و روشن است، و نمی‌شود این احتمال را داد که ایشان از این گروه نافی اخبار و احادیث هستند. بلکه مشرب کلی ایشان مشرب پیروان اهل‌بیت است. مشرب امامیه است، که هم نیاز به اخبار و روایات داریم و هم اینکه این اخبار و روایات از مجاری اصلی و مهم آن اهل‌بیت یعنی خاندان پیامبر و ائمه معصومین هستند.

# تشریح مکتب علامه

بله در نکات ویژه‌ای که ایشان دارند، چند مطلب است. یکی این است که ایشان در حجیت خبر واحد، دایره را ضیق می‌گیرند. این هم یک مسلک اصولی است. چون قائل به این هستند که خبر واحد در محدوده روایات فقهی حجیت دارد، پذیرفتند در اصول که خبر واحد حجت است ولی حجیت خبر واحد را در محدوده مباحث احکام و فقهیات قائل‌اند، و اما در توصیفات و معارفی که غیر از جنبه فقهی داشته باشد، قائل‌اند به اینکه خبر ثقه بماهو خبر ثقه حجت نیست.

 دلایلش هم در اصول در حجیت خبر واحد که برسیم بحث خواهیم کرد. ایشان چون به سمت آن می‌روند که در حقیقت تنجیز را قوام حجیت می‌دانند، و تنجیز درجایی است که حکم و عمل باشد، لذا در اخبار وارده در معارف و قضایا و گزاره‌های توصیفی به این حجیت اعتقاد ندارند.

# مراد علامه از قطع

این بحثی است که بر اساس این می‌فرمایند که ما به خبر واحد بماهو خبر واحد و خبر ثقه نمی‌توانیم تکیه کنیم. بلکه خبر باید محفوف به قرائن باشد. همان‌که حتی در فقه هم کسانی قائل بودند، منتها ایشان در فقه همان مبنای مشهور متأخرین دارد که خبر ثقه حجت است.

 اما در غیر فقه همان نظریه‌ای که سابقه هم دارد را پذیرفتند و آن این است که ایشان می‌گوید خبر یا باید متواتر و یا محفوف به قرائن باشد. گاهی هم به قرائن قطعیه تعبیر می‌کنند و قطع عرفی قاعدتاً مرادشان است. یعنی مسلک ایشان وقتی عمل می‌کنند به اخبار این‌طور نیست که قطع باشد به معنای منطقی آن، بلکه قطع متعارف مراد است که احتمالاً شامل اطمینان هم بشود. احتمالاً منظورشان این باشد.

# اتخاذ مبنا

البته اینکه اطمینان ملحق به قطع است یا نیست؟ خود این داستانی دارد، جای خودش باید بحث کنیم. ولی خیلی‌ها اطمینان عرفی را ملحق به قطع می‌دانند. بنابراین می‌گویند خبر واحد در تفسیر قرآن و معارف قرآنی، باز باید خبر محفوف به قرائن باشد، ثقه بودن کافی نیست.

 البته این را قبول نداریم و در جای خود بحث می‌کنیم. ما همان کاشفیت را در خبر قائلیم و کاشفیت اختصاص به گزاره‌های فقهی و حکمی ندارد. در هر چیزی خبر ثقه حجت است مادامی‌که قرائنی برخلاف آن پیدا نشود، شواهدی آن را نقض نکند.

این نظر ایشان است که در خبر واحد است که عرض کردیم و ما مبنا را قبول نداریم. اینجا چیزی نیست که بشود بگوییم دارای ملاحظه خیلی جدی است، بلکه یک اختلاف مبنایی در اصول است. هر کس بگوید خبر واحد ثقه ملاک است و بر اساس آن تنجیز تنظیم می‌شود، طبعاً آن را به فقه و گزاره‌های فقهی و حکمی اختصاص می‌دهد. اما اگر کسی کاشفیت را بگیرد، طبعاً می‌تواند در سایر معارف هم به خبر ثقه تکیه کند و دامنه حجیت خبر ثقه را توسعه دهد.

# نظریات در خبر واحد

در اینجا تکمیلاً این را عرض کنم، در میان این دو قول که وثوق خبری و مخبری باشد، دو قول وجود دارد، یکی اینکه وثوق مخبری ملاک است و یک قول وثوق خبری است، این است که ما خیلی نباید پایبند این باشیم که این سلسله سند را به لحاظ توثیق و قدح و مدح، ارزیابی بکنیم.

 عمده این است که این محتوا یک محتوایی باشد که قابل‌اعتماد باشد، شواهدی برخلاف آن نباشد. و لذا ممکن است یک خبری ضعیف باشد، اما محتوای متعدد دارد، لذا انسان می‌تواند بدان تکیه نماید.

# اتخاذ مبنا

البته ما این مبنا را قبول نداریم. چراکه عمده این است که محتوای موجود محتوای قابل‌اعتمادی باشد. لذا ممکن است خبری ضعیف باشد، اما محتوا به نحوی بوده که قابل‌اعتماد باشد. در این میان قرینه عامه امری است که کثرت روایات موجب پی بردن به ضعف یا قوت یک قول می‌شود. و این نکته حائز اهمیت است که به همراه خبر واحد باید ظن عرفی و نوعی باشد.

## سایر مبانی علامه

ازجمله موارد دیگری که از کلام علامه استفاده می‌شود، این بوده که اگر در مسئله‌ای آن‌قدر روایات و خبرها و گزارش‌های ضعیف و غیر صحیح زیاد باشد که سوءظنی ایجاد کند، در حدی که دیگر نشود حتی به آن خبری که به‌ظاهر هم درست است اعتماد کرد، این موجب فروریزی حجیت خبر می‌شود، حتی اگر کسی قائل به این باشد که خبر ثقه حجت است.

## اتخاذ مبنا

گویا این نکته خیلی ذهن ایشان را فراگرفته است که انگیزه‌هایی که در تفسیر قرآن بوده است، طبق میل مذاهب و گرایش‌ها و سلایق موجی درست کرده است که حتی به خبر ثقه نیز نمی‌شود چندان اعتماد کرد.

البته بیشتر مذهب ایشان در قبال روایات عامه است و شاید این مبنا در این جهت درست باشد. یعنی کثرت اسرائیلی‌ات موجب می‌شود به روایات معتبر نزد عامه مانند آنچه در درالمنثور ذکرشده نیز نتوان اعتماد کرد. به‌خصوص با تاریخ حدیث عامه که تاریخ ضعیفی است. چراکه در دورانی متمادی نقل حدیث ممنوع بوده و پس‌ازآن روند جعل در میان آن‌ها شدت گرفت. و به‌طورکلی در پشت پرده المیزان درگیری‌های خاصی با کتب عامه مانند المنار و فخر رازی است.

### نقش فقهی قیام عاشورا

نکته‌ای که می‌توان آن را مسلم دانست، این است که اگر قیام امام در عاشورا نبود بسیاری از مذاهب باطل فقهی باقی می‌ماندند و فقه به سمت توجیه روند جریان فاسد و قدرت‌های ظالم پیش می‌رفت.

#### آیات فقهی

آقای مصباح در سخنرانی‌ای که داشتند عقیده داشتند؛ آیاتی که در قبال فقه است در بسیاری از موارد در مقام بیان نبوده و جنبه‌ها و قیود متعددی نظر نداشته لذا اطلاق گیری منتفی است.

#### اتخاذ مبنا

اما نظر صحیح این است که آیات اطلاق دارد و خود آیات به ذوی القربی ارجاع داده‌اند که جزئیات و تفاصیل را از روایات به دست آورید. و روش‌شناسی علامه نیز نیاز به تکمیل دارد.